

درباره شأن لباس طلبگی



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

گاهی گفته می‌شود روحانیان، لباس پیامبر را برتن دارند. شاید سؤال شود که یعنی پیامبر مثل همین لباس را می‌پوشیدند یا نوع لباسشان دقیقاً همین‌گونه بوده است؟ پاسخ منفی است. اینکه به لباس روحانیان لباس پیامبر می‌گویند، از باب شأن پیامبری روحانیت در جامعه است؛ شأنی که این لباس، نماد آن است و هر فردی در جامعه وقتی با این لباس مواجه می‌شود، تأثیری می‌پذیرد و احیاناً استفاده‌ای از آن شخص روحانی در جهت مسائل دینی خود می‌برد. اما اصطلاح دیگری در نزد روحانیان وجود دارد که می‌گویند شأن این لباس را باید رعایت کرد یا می‌گویند فلانی، کاری خلاف شأن لباس روحانیان انجام داد؛ کاری انجام داد که با زئ طلبگی نمی‌سازد و از این دست الفاظ. حالا به راستی شأن این لباس به چیست و چه چیزی مخالف این شأن است؟

گاهی متأسفانه استفاده از این کلمات و این فرهنگ رایج، باعث فاصله گرفتن روحانیان از مردم می‌شود؛ چیزی که برخلاف رسالت طلبگی است. این لباس درواقع یک شأن بیشتر ندارد و آن، تبلیغ

دین است و لازمه این امر، بین مردم بودن است، طوری‌که شخص طلبه را از خود بدانند و با او انس و الفت بگیرند.

نباید قداست‌های ناپجایی که برای این سلک و لباس قائل می‌شویم، ما را از مردم جدا کند تا اینکه تحقق اصل رسالت طلبگی به‌طور کلی منتفی شود. بنده خود سال‌ها در فضای دانشگاهی و دانشگاه فردوسی، بین دانشجویان حاضر بودم و کار تبلیغی می‌کردم. در آنجا شاهد روحانیانی بودم که متأسفانه دانشجوی جرئت نداشت حتی به آن‌ها نزدیک شود، چه رسد که بخواهد سؤالی بپرسد یا شوخی‌ای بکند. این افراد به اصطلاح خیلی هم شق‌ورق بودند و مرتب لباس می‌پوشیدند و ادا و اطوار آخوندی داشتند و حتی گاهی، امثال این افراد به امثال مایی که در اصطلاح با دانشجویها قاتی می‌شدیم تا بتوانیم انس و الفت ایجاد کنیم و اثرباشیم، می‌گفتند که شأن لباس را رعایت نمی‌کنید!

حالا سؤال اصلی همین است که شأن این لباس به چیست؟ شأن این لباس به کارایی داشتن در مسیر دین است و اگر تا حد امکان در رفتار، عین مردم و بین مردم نباشیم، درواقع هیچ شباهتی به پیامبر نخواهیم داشت که بخواهیم این لباس را به ایشان نسبت دهیم و قداست و نفوذی در بین مردم داشته باشیم. رسول خدا^(ص) گاهی در منظر مردم بازی‌های بچگانه می‌کردند تا بتوانند شأن تبلیغی خود را متناسب با سن مخاطب حفظ کنند.

در روایات آمده است: یک روز رسول خدا^(ص) که برای خواندن نماز جماعت عازم مسجد بودند، در راه به گروهی از کودکان برخوردند که در حال بازی بودند. بچه‌ها با دیدن پیامبر^(ص)، دست از بازی کشیدند و به‌سوی ایشان رفتند و گفتند: «کن جملی^۱!»، یعنی شتر من باش! رسول خدا درخواست کودکان را اجابت کردند و مشغول بازی با آن‌ها شدند و این درحالی بود که مردم در مسجد در انتظار ایشان بودند. بلال که در مسجد همراه مردم، منتظر ورود رسول خدا^(ص) بود، با مشاهده تأخیر پیامبر، به سمت خانه حضرت حرکت کرد. در راه به رسول خدا^(ص) رسید و با دیدن صحنه بازی کردن ایشان با کودکان، تلاش کرد بچه‌ها را از اطراف پیامبر دور کند. اما رسول خدا^(ص) مانع شدند و گفتند: «در نظر من، دیر شدن اقامه نماز، بهتر از ناراحتی کودکان است». سپس از بلال خواستند که به خانه برود و برای کودکان چیزی بیاورد تا به این ترتیب، بچه‌ها ایشان را رها کنند. بلال رفت و از منزل پیامبر تعدادی گردو برداشت و به محضر ایشان بازگشت. رسول خدا^(ص) گردوها را از بلال گرفتند و به بچه‌ها گفتند: «آیا شتر خود را به این تعداد گردو می‌فروشید؟». کودکان، گردوها را از دست پیامبر گرفتند و ایشان را رها کردند.

حالا اگر چنین ماجرابی را نشنیده بودیم و یکی از روحانیان عظیم‌القدر را در چنین حالتی مشاهده می‌کردیم، چه قضای می‌کردیم؟ این قضیه مربوط به آن زمان بود. اکنون بازی‌های امروزی را فرض کنید، مثلاً طلبه‌ای که با بچه‌ها فوتبال بازی می‌کند یا سایر بازی‌ها و فضا‌های مرسوم، طلبه‌های محترم! باید بدانیم که رعایت شأن طلبگی و کارایی لباس طلبگی، گاهی به انجام کارهایی است که باعث می‌شود بتوانیم به مخاطب ارتباط لازم را برقرار کنیم تا او، ما را از خود بداند و زمینه حرف‌شوی و اثرگذاری ما فراهم شود. امیدوارم روحانیان باتأمل لازم در این معانی و دیدن شیوه کار روحانیان موفق در جامعه، بیش از پیش بتوانند مفهوم این لباس و شأن آن را درک کنند و در وظیفه خود و انجام رسالت دینی خویش موفق باشند.

پرس و بدان

حکم بدگمانی و تهمت

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸ یا ما در میان بگذارید.

● سؤال: باسلام، این جانب مأموور خرید یکی از ادارات دولتی هستم و متأسفانه هر روز با تهمت و افترای همکاران خود مواجه هستم، درحالی‌که بنده در درجه اول به فکر روزی حلال و در درجه دوم به فکر منافع اداره هستم. حکم افرادی که دم از مسلمان بودن می‌زنند و چنین تفکری درباره این جانب دارند، چیست؟ ● پاسخ اجمالی:

۱. اگر چه لازم است انسان نهایت تلاش خود را انجام دهد تا در معرض بدگمانی و سوءظن دیگران قرار نگیرد، ممکن است یک فرد به دلیل موقعیت اجتماعی، مالی یا شغلی خاصی که دارد، هر چند که انسان پاکی باشد، مشمول بدگمانی یا حسادت دیگران قرار گیرد و متهم به گناه شود و با آزار و اذیت آنان روبه‌رو شود. کسی که دچار این تهمت‌ها شده است، باید بداند که وظیفه او راضی نگه داشتن خداست نه دیگران، زیرا آن که حساس‌بری اعمال انسان‌ها را برعهده دارد و پاداش و جزای آن را خواهد داد، خداست نه دوستان و اطرافیان یا همکاران، از این رو نباید زیاد نگران باشد و برای حرف دیگران، خود را آزار دهد، بلکه باید بر خدا توکل کند و چشم امید به رحمت و پاداش‌های بزرگ او داشته باشد.

۲. اما کسانی که بدون دلیل به دیگران بدگمان می‌شوند و به مؤمنان تهمت می‌زنند، باید بدانند که دچار گناه بزرگی شده‌اند و باید به سرعت از گناه خود توبه کنند و از فردی که به او تهمت زده‌اند، حلیت بطلبند. تهمت به دیگران، از گناهان کبیره محسوب می‌شود که می‌تواند آخرت انسان را تباہ کند و عذابی بزرگ برای تهمت‌زنده مهیا سازد. این گناه، از برخی گناهان کبیره دیگر همچون غیبت نیز بزرگ‌تر و بدتر است؛ زیرا غیبت، عبارت از سخن گفتن از عیوبی است که در دیگران وجود دارد، ولی تهمت، بیان کردن مطالب غیرواقعی و دروغ درباره دیگران است. خداوند در قرآن کریم درباره بدگمانی چنین فرموده است: «إِنَّ يَعْصُ الْفُلْنَ إِنَّهُمْ»، برخی از بدگمانی‌ها گناه محسوب می‌شود.

حال وقتی که گمان بد درباره دیگران، گناه محسوب می‌شود، اگر کسی این بدگمانی را به زبان جاری و به دیگران منتقل کند که به آن تهمت و افترا گفته می‌شود، چه گناه بزرگی محسوب خواهد شد؟ از این رو در روایات، موضع سختی در مقابل این کار زشت گرفته شده است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «هر که به برادر مؤمنش تهمت بزند، همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود، ایمان در قلب او از بین خواهد رفت».

آیت‌العلی خاتمه‌ای:

سؤال: آیا باید رضایت او را جلب کند؟ توبه کند؟ یا باید با پشیمانی از گناه بزرگی که مرتکب شده است، از خداوند آمرزش بخواهد و تهمت را تکذیب کند و از فردی که غیبت او را کرده یا به او تهمت زده است، حلیت بطلبد و اگر ممکن نیست یا مفسده دارد، برای او استغفار کند.

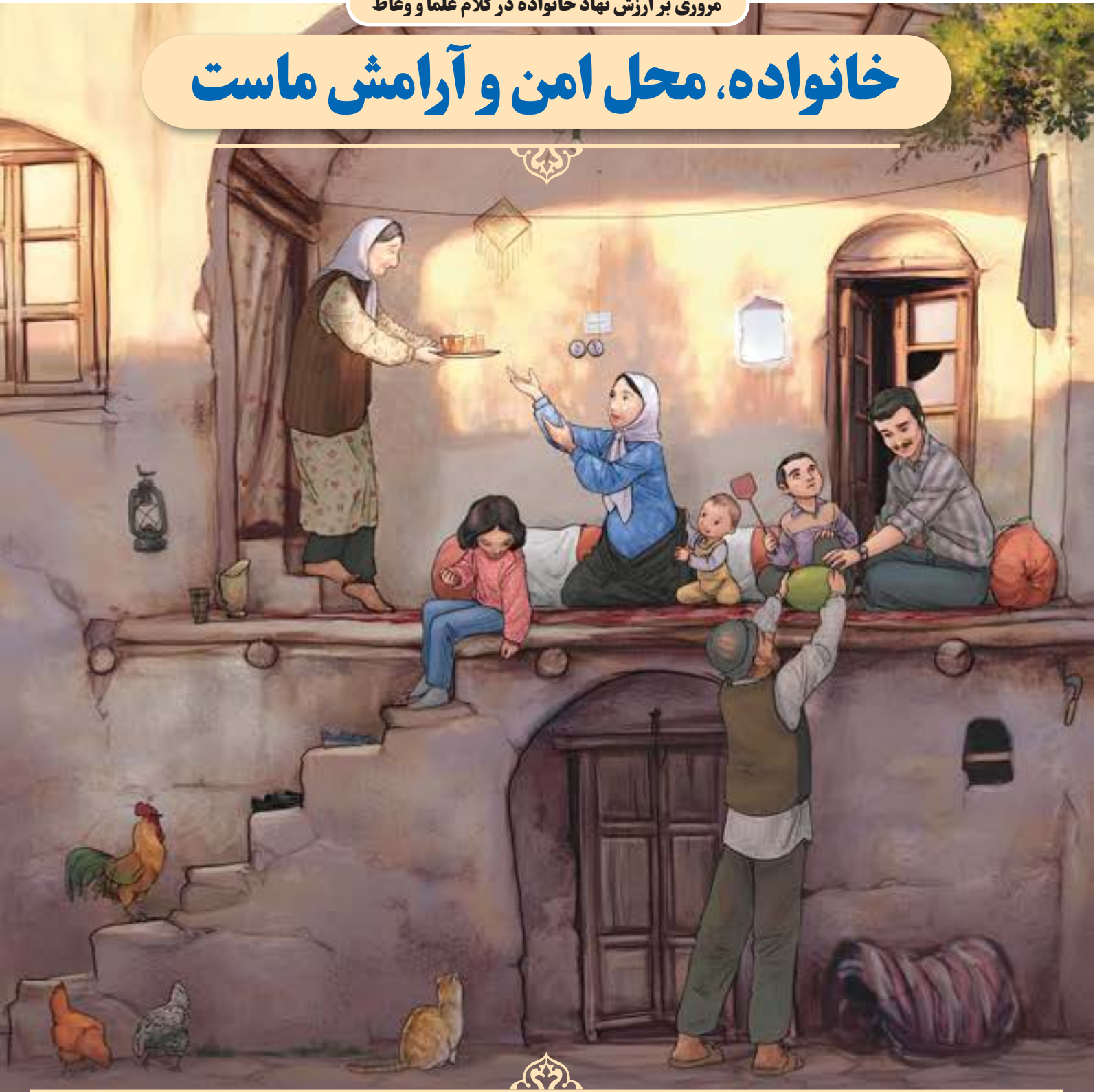
آیت‌العلی مکارم شیرازی:

سؤال: تهمت زدن به کفار اعم از حربی و غیرحرب، چه حکمی دارد و آیا حلیت گرفتن لازم است؟

جواب: تهمت زدن به هیچ‌کس جایز نیست و اگر کافر حربی نباشد، باید از او حلیت بگیرد.

مروری بر ارزش نهاد خانواده در کلام علما و وعاظ

خانواده، محل امن و آرامش ماست



حمیده ذاکری^۱ همه ما به نوعی در متن خانواده قرار داریم؛ چه خانواده‌ای تشکیل داده باشیم و چه عضوی از یک خانواده باشیم. در جای جای متون دینی ما، در کلام وعاظ و پای منبر علما، از شأن و منزلت این نهاد مقدس بارها آگاه شده‌ایم. توجه خاص به این نهاد ارزشمند، از آثار و برکات فراوان خانواده برای افراد است. اگر فردی موفق است و در صلح و آرامش زندگی خود را سپری می‌کند، حتماً بخش مهمی از آن را از خانواده خوب و سالم خود دارد و هرجایی که در اجتماع و عملکرد و رفتار خود دچار نقص یا مشکلی بشویم، نیز این نهاد گرم خانواده است که می‌تواند با حمایت‌های خود، ما را به صلاح و درستی یا غیر آن رهنمود کند. باتوجه به بسترسازی‌های بنیادی که شامل حال افراد خانواده می‌شود، دیدگاه وعاظ در منبرهای مختلف را مرور کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

رفتار کردن مؤمن، مطابق میل خانواده

به این حدیث که در وسائل الشیعه جلد ۲۰، صفحه ۱۶۸ آمده است توجه کنید: زن مثل دسته‌گل است. قهرمان نیست. در همه حالات با زن مدارا کنید، طوری نمی‌شود. حاج آقا دولابی که خداوند رحمتشان کند، این روایت را زیاد می‌خواند که «الْمُؤْمِنُ تَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَ الْمُتَّقِيُّ تَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ» (شیخ‌کلبی/ الکافی/ ج ۴/ ص ۱۱). مؤمن در کارهای روزمره که مربوط به خانه و زندگی است، مطابق خانواده‌اش می‌خورد؛ یعنی مطابق میل خانواده‌اش رفتار می‌کند. هرطور آن‌ها می‌گویند، آن‌طور رفتار می‌کند؛ البته در کارهای خانه، در

تمنای آرامش

موضوع سخن ما به اذن... و عنایات ویژه امام زمان^(ع) در محضر ولی‌عتمتان، حضرت امام رثوف^(ع)، سلوک خانوادگی مهدی‌یاوران است. توصیه شده است در آخرالزمان به‌عنوان یک راهکار عملی برای ایمنی از تمام فسادهای آخرالزمانی، خانواده‌محوری و خانواده‌درمانی در دستورکار قرار بگیرد. مجتبان و شیعیان اهل بیت^(ع) تا رسیدن ظهور امام عصر^(ع)، مأمورند بالاترین سرمایه‌گذاری‌های معنوی، عرفانی و مادی را در متن خانه و خانواده داشته باشند. سلوک رحمانی ما باید در متن خانه و خانواده رقم بخورد؛ زیرا محبوب‌ترین کانون در نزد خداوند، خانواده است. اساساً بهترین سیر و سلوک در بندگی خداوند رحمان که مرضی رضایت خداوند رحمان است، باید به‌صورت خانوادگی انجام

الگوی ما خانواده حسینی است

یک پدر در «خانواده حسینی» باید دارای چند شاخصه باشد. هم‌زمان که قدرت و برتری بر خانواده خود دارد، چون خدا شاهد اعمالش است، همراه قدرت، محبت را به خانواده خود عطا می‌کند. لذا امام حسین^(ع) همواره فرزندانشان را با محبت نصیحت می‌کردند. امام حسین^(ع) در مقابل لشکر عمرسعد از قدرت یداللهی خودشان استفاده نکردند، بلکه از جنبه محبت

خانواده اجتماعی کوچک

اسلام اهمیت بسیاری به خانواده داده است و خانواده را جامعه‌ای کوچک می‌داند که همه امور ابتدایی در آن شکل می‌گیرد. معاشرت بین افراد در جامعه، بعد از ابراز از امور مشترک میان همه اعضای خانواده است. مشکلات مالی، جسمی و اخلاقی، همه و همه نیاز به صبر دارند تا رفع شوند. بنا بر آیات و روایات، زنی که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، خداوند مقام آسیه را به او خواهد داد. کسب رضایت در راستای رضای الهی، یکی دیگر از موضوعات مشترک بین اعضای خانواده است. در این باره باید گفت که کسب رضایت کامل، ممکن نیست اما تلاش انسان در این مسیر، می‌تواند راهگشا باشد. برپایه روایات، بهترین شفیع برای زنان در روز قیامت، رضایت همسر است که البته باید دوطرفه باشد. برای محکم شدن بنیان خانواده، لازم است افراد اصولی راعایت

و مباحبت و لطافت باشد. خانم بفرما، یعنی بنشین و هم یعنی بتمرگ. اما این بتمرگ، عقده و کینه به بار می‌آورد، درحالی‌که آن یکی، لطافت دارد، محبت ایجاد می‌کند. گاهی که می‌شود با دست باز کرد، چرا با دندان باز شود؟ با یک محبت و گفتار با لطافت و عاطفه، تمام آتش هافروکش می‌کند. اما بعضی برخورد ها و کلمه‌ها هست که به خصوص وقتی طرف روی کلمه‌ای حساس است، یا روی پدر و مادرش حساس است، طرف مقابل دست روی همان می‌گذارد و می‌خواهد داغش بکند. این خیلی بد است. بیخودی احساسات همدیگر را تهییج نکنیم، حضرت می‌فرمایند: «با گفتار زیبا، حرف بزن تا عیش و زندگی شما صفا پیدا کند و عالی باشد».

حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌ا... فرحزاد

نمازها برای ما هم باید الگو بشود و این‌گونه از خدا بخواهیم در اقتدا به موملیمان امیرالمؤمنین^(ع) در قنوت نماز زمان، این عبارت را بگوییم: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِمَنْتَقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴). تمنای اول، تمنای آرامش خانوادگی است. در متن آرامش خانوادگی، انسان می‌تواند به تمام پیشرفت‌های مادی و معنوی برسد و اگر انسان آرامش خانوادگی نداشته باشد، اگر در عرصه‌های دیگر هم پیشرفت کند، مثلاً در عرصه شغل و کسب‌وکار و درآمد، به درد او نخواهد خورد. وقتی که قرار است متن خانه و خانواده او بی‌قرار باشد، ناآرام باشد و او را ناآرام کند، درآمدزایی انسان و درآمدزایی انسان به عشق یک خانه و خانواده است که در آنجا به آرامش می‌رسد.

حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری‌کاشانی

پدر خانواده باید عدالت داشته باشد. اگر پدر خانواده می‌خواهد مؤمنانه عمل کند، باید اهل گذشت و سخاوت باشد، به‌دلیل اینکه امکانات و آقایی خانه، دست پدر است، باید اهل گذشت و سخاوت باشد. لذا امام حسین^(ع) به معلم فرزندشان هدیه‌های فراوانی دادند. طبیعتاً چنین شخصی به فرزند خود هم هدیه‌های فراوانی می‌دهد و اهل سخاوت است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ماندگاری

کنند. برخی از این اصول، مشترک و برخی مخصوص هستند. از نمونه اصول مشترک، به‌ابزار محبت، معاشرت زیبا و همکاری، صبر بر ناملایمات و کسب رضایت اشاره کردیم. احترام متقابل، ششمین نمونه از این اصول است که در روایات بسیاری از اولیا و انبیا به آن اشاره شده است. خوب حرف زدن پنج اثر دارد: ۱. ثروت را زیاد می‌کند. ۲. رزق را زیاد می‌کند. ۳. مرگ را به تعویق می‌اندازد. ۴. انسان را محبوب می‌کند. ۵. انسان را وارد بهشت می‌کند. تغافل و خطایی را به‌روی هم آوردن، مصداق دیگری است که می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد و آخرین موضوع، رعایت حقوق مشترک در خانواده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی